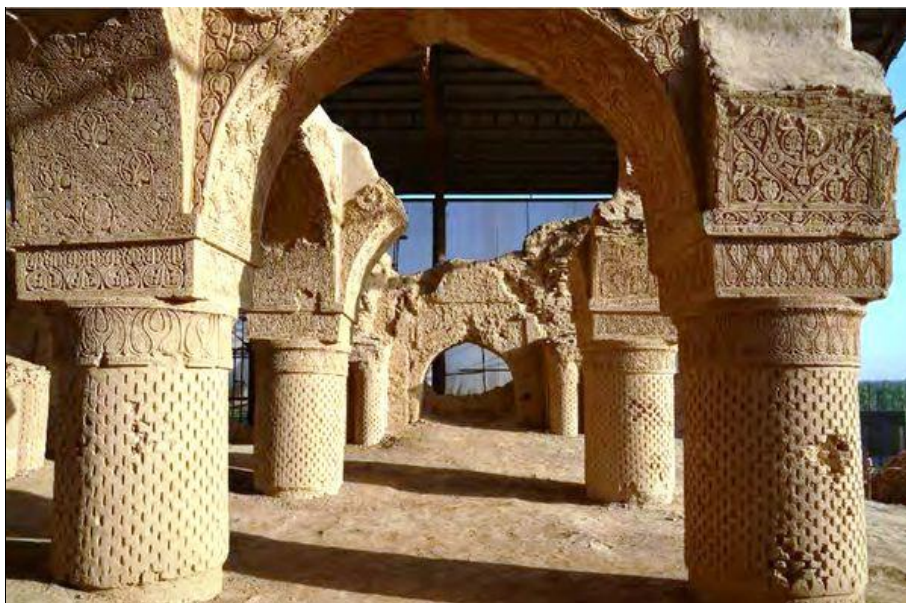




مسجد نه گنبد یا حج پیاده



نمای با شکوه « مسجد نه گنبد » بلخ

«مسجد نه گنبد» در سه کیلومتری جنوب شهر بلخ، یکی از بناهای کهن در شمال افغانستان است و از زمره قدیمی ترین مساجد در شرق ساحة اقتدار خلفای عباسی بشمار میرود. این بنای باستانی به گمان اغلب در اواخر سده هشتم میلادی و آغاز قرن نهم میلادی اعمار گردیده است. سبک معماری مسجد تاریخی نه گنبد با طرح های دقیق گچ بری، گل و برگ کاری های ظریف و طاق های پهن متشکل از دو منحنی متقاطع، که از خصوصیات اصلی بناهای تاریخی افغانستان میباشد، از شکوه و عظمت خاصی برخوردار است.

اکثر تاریخنگاران اعمار آنرا به دوره سامانیان اطلاق میدهند و برخی این بنا را کهن تر از عصر سامانیان دانسته و به این باورند که بنای نه گنبد در ادوار پیش از اسلام در عهد اقتدار خاندان برمکی اعمار گردیده است و شاید همان معبد باستانی نوبهار باشد که برمکیان بلخ معتکف آن بوده اند.

در حالیکه محل اصلی «معبد نوبهار بلخ» پس از ویرانی آن توسط قیس بن حیثم سلمی فرمانده سپاه اموی در سال ۶۶۰ میلادی به طور دقیق معلوم نیست. ولی این نکته مستند است که پس از رو آوردن خانواده برمکی به دین اسلام، فضل فرزند یحیی برمکی به امر المنصور خلیفه بغداد در سال ۷۹۴ میلادی والی خراسان شد و بقایای معبد نوبهار را به مسجدی تبدیل نمود. ازینرو این حدس میتواند تا اندازه ای مقرون به حقیقت باشد. لیکن متأسفانه از بنای های عصر سامانی به جز از «مسجد نه گنبد» بلخ و کاخی در لشکرگاه نمونه های زیادی بجا مانده تا با مقایسه آن به صحت و سقم این موضوع بطور دقیق پی ببریم، ولی میدانیم که در آغاز سده نهم در هنگام اقتدار دودمان مقتدر سامانیان بلخ مسجد نه گنبد بنای آبادانی بوده است. برخی از مورخان معتقدند که نام، نه گنبد مربوط به نه پادشاه از سلسله سامانیان است که در خراسان و ماوراء النهر حکومت می کردند و شاید هر پادشاه به نوبه خود گنبدی بر فراز این بنا اضافه کرده باشد، اما به نظر می رسد که این فرضیه دور از واقعیت است. زیرا سلسله سامانیان از سال ۸۱۹ میلادی تا ۹۹۹ میلادی سلطنت کردند و تکمیل ساختار نمی توانست ۱۸۰ سال را در برگیرد.

از سوی دیگر اوگو تونییتی - Ugo Tonietti ، مهندس ایتالیایی از یونیورسیتی فلورانس که متخصص مرمت و استحکام بناهای تاریخی است و در سال ۲۰۱۷ «مسجد نه گنبد» را از نزدیک مشاهده کرده، در حالیکه سالم ماندن رواقهای این بنای تاریخی را یک معجزه میخواند به این نظر است که «مسجد نه گنبد» در دوران باستان، قبل از حمله اعراب همان آتشکده معروف «نوبهار» بوده و سپس در دوران «برمکیان» به نیایشگاه بودایی مبدل گشته است. اما به اساس یادداشتهای مورخین عصر غزنوی مربوط قرن یازدهم میلادی چون ابوالفضل بیهقی و البیرونی «معبد نوبهار» دو صد گز (تقریباً ۲۰۰ متر)، ارتفاع داشته و دارای ۳۶۰ اتاق بوده است. گذشته از اینکه در آن اصنامی وجود داشته و بقول یاقوت حموی مؤلف معجم البلدان بیرق آن به ارتفاع صد گز (تقریباً ۱۰۰ متر) حتماً از ترمز هم دیده میشده، با این اوصاف بنای بجا مانده نه گنبد نمیتواند «معبد نوبهار» باشد.

در حالیکه در مورد پیشینه تاریخی «مسجد نه گنبد» معلومات بسیار مستند و دقیقی در دست نداریم، ولی آنچه بجا مانده از نگاه علم مهندسی و شیوه ساختمانی بسیار زیبا و نهایت جالب است، و این زیبایی در سراسر شیوه معماری آن مشهود میباشد. در طاقچه ها و طاقهای عریض و در قسمت بالایی فیل پایه های ضخیم این بنای تاریخی که توسط رواقهای پر عرضی بهم وصل میگردند، نقشهای تزئینی و گلهای برجسته همراه با طرح های که به گمان اغلب معانی نمادین و سیمبولیک

دارند، با محاسبه دقیق نقش بسته است. عده ای از پژوهشگران و باستان شناسان افغان به این عقیده اند که این نقشها مربوط به آئین اوستایی میباشد و برخی هم باشناسایی گل های نیلوفر این بنا را مربوط به آئین بودایی میپندارند که همانا شرح گذشته تاریخی معبد نو بهار را بخاطر تداعی میکند. ستونهای قطور این بنا با مستطیل های کوچک متصل بهم پوشش یافته و این طرح ابتکاری بافت زیبایی را پدید آورده است که در کمتر بناهای ادوار اسلامی با چنین طرحی مواجه میشویم، هرچند این بطوطه، جهانگرد مراکشی، «مسجد نه گنبد» را از نظر زیبایی با «مسجد الحمراء» در شهر غرناطه اسپانیا مقایسه نموده است. اما از نگاه طرح مهندسی و مواد ساختمانی تفاوت های کلی میان این دو بنا موجود است. شاید مراد سیاح مراکشی زیبایی تزئینات ظریف «مسجد نه گنبد» بوده نه شیوه ساختمانی آن. چنانچه از شواهد تاریخی پیداست، این بطوطه در حوالی سال ۱۳۳۳ میلادی یعنی یک قرن بعد از حمله چنگیز به بلخ که در سال ۱۲۲۲ میلادی رخ داد بنای «مسجد نه گنبد» را مشاهده کرده است.

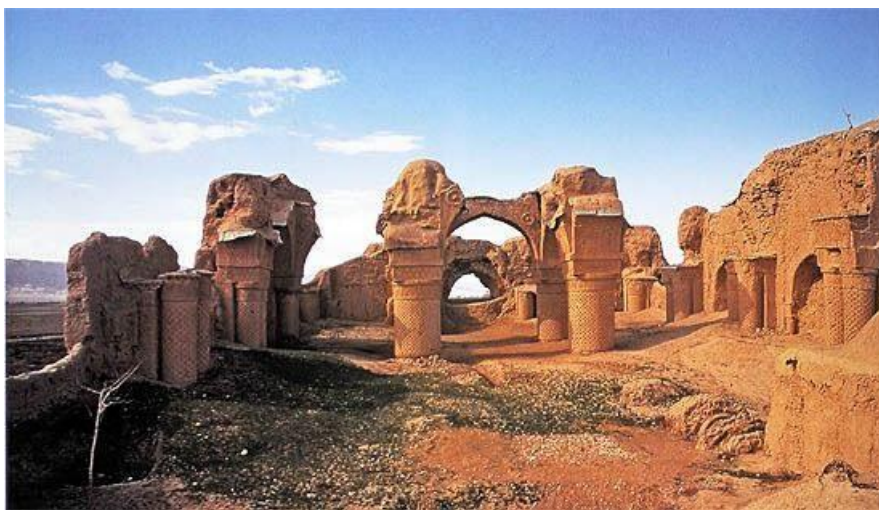


قسمتی از ستون بینظیر «مسجد نه گنبد» با کار هنری ظریف و خاص

گمان میرود این بنا در آن روزگار در وضع بهتری از حالت فعلی قرار داشته تا سیاح مراکشی وصفی در مورد آن بنگارد، هرچند به اساس عقیده اکثر تاریخ نگاران و مردم بلخ این بنا ی تاریخی در اثر حمله چنگیز ویران گردیده و از گنبد های نه گانه آن چیزی بجا نمانده است. لیکن دریافتهای باستان شناسان از روی مطالعات اشعه کاربن نشان میدهد که این بنای تاریخی در حوالی سال ۸۱۹ میلادی در نتیجه زلزله شدیدی قسماً ویران گردیده است که این حادثه مصادف به آغاز پادشاهی سلسله سامانیان در بلخ میباشد. گمان میرود که شاهان سامانی در سالهای بعد به مرمت آن پراخته

باشند. درحالیکه سابقه موضوع و سرگذشت این بنای کهن یکی از معما های تاریخ بشمار میرود، طبعاً از آنجاییکه قسمت فوقانی ساختمان کاملاً ویران شده ابراز نظرهای متفاوتی در مورد این بنا گفته شده؛ اما چنانچه از نام «مسجد نه گنبد» پیداست و ۹ بخش مجزا در داخل ساختمان وجود دارد، این بنا منطقاً دارای ۹ گنبد بوده اس. اگر به نقشه افتاده مسجد نه گنبد نظر دقیقی بیاندازیم شاید تا اندازه بیشتری به حقیقت موضوع پی برده بتوانیم.

از نگاه طرح، این مسجد بر اساس یک نقشه مربع به ابعاد حدوداً ۲۰ متر در ۲۰ ساخته شده است. فضای داخلی آن به ۹ بخش مساوی تقسیم شده که ستونپایه های قطور این بخشها را از هم مجزا میسازد. از نگاه منطق ساختمانی گمان اینکه این بنا در دوره پیش از رو آوردن اهالی بلخ به دین اسلام اعمار گردیده باشد بیشتر مقرون به حقیقت است؛ چون طرح ساختمانی آن با بخشهای نه گانه مجزا با مساجد دیگر مطابقت ندارد. زیرا در مساجد اسلامی ایجاد ساحة بزرگ که در آن نماز گزاران در چند قطار صف کشیده بتوانند از شرایط اصلی میباشند. عموماً در داخل مساجد اسلامی از ستونپایه های ضخیم کمتر استفاد به عمل می آید تا ستونها نماز گزاران را از هم مجزا نسازد و محراب از هرسو دیده شده بتواند.



منظره دیگری از شکوه و جلال «مسجد نه گنبد» در خرابه های بلخ

در حالیکه ستون پایه ها و رواقهای ضخیم «مسجد نه گنبد» این شرایط را برای نماز گزاران میسر نمی سازد. برخلاف آئین بودایی که در آن نیایشگاه های جدا گانه برای عابدان اعمار می یابد این روش در دین اسلام معمول و مروج نیست، چون که بصورت عموم مراد از ایجاد مساجد جامع تجمع و نزدیکی مسلمانان میباشد.

به هر حال پیشنهاد جالب و کمی پیچیده «مسجد نه گنبد» را میتوان چنین خلاصه کرد:
- به گمان اغلب این بنای تاریخی در عهد برمکیان پیش از رو آوردن خالد برمکی به اسلام نیایشگاه مهمی بوده است. اما اینکه این بنا معبد معروف «نوبهار» باشد تنها یک فرضیه است، و با شرح ساختمانی معبد نوبهار مطابقت ندارد.

- این بنای باستانی در هنگام لشکر کشی های امویان به بلخ مانند صدها آبدۀ دیگر ویران شده و محتمل است که در میان در سالهای ۷۹۴ تا ۸۰۰ میلادی به مسجد اسلامی مبدل گشته باشد.

- گمان میرود که «مسجد نه گنبد» در سال ۸۱۹ در اثر زلزله شدید ویران شده ولی سلسله سامانیان بلخ به مرمت آن پرداخته اند.

- این مسجد باستانی در هنگام حملات چنگیز در آغاز قرن سیزدهم خسارات بیشتری را متحمل شد و به ویرانه متروکی مبدل گشت تا اینکه در سال ۱۹۶۰ تحت مطالعات باستان شناسی قرار گرفت.

در دهه ۱۹۶۰ «مسجد نه گنبد» در ۲۰ کیلومتری غرب شهر مزار شریف که در میان مردم بلخ بنام حج پیاده معروف است بصورت تصادفی توسط باستان شناسان امریکایی کشف شد. این اسم به احترام درویشی بنام محمد یوسف که هفت بار با پای پیاده سفر مکه نموده و آرمگاه آن مرد روحانی در آنجا قرار دارد، بنام «زیارت حج پیاده» نیز یاد میشود.

در هنگام کشف «مسجد نه گنبد» قسمتهای از این بنای تاریخی در زیر خاک پنهان بود، اما در جریان حفاریات که با دقت زیادی انجام یافت پایه های عظیم، رواقهای عریض و دیوارهای خشتکاری شده بنا از زیر خاک بدر آمد و مورد توجه خاص باستان شناسان قرار گرفت. زیرا سبک ساختمانی «مسجد نه گنبد» و نقشبندی های ناب آن، در حقیقت گواه پختگی کار صنعتگران و معماران ماهری میباشد، که حد اقل ۱۱۰۰ سال پیش زندگی می کرده اند. این بنا با خشت های بزرگ گداخته در آفتاب ساخته شده و در تعمیر آن از ساروج (مخلوطی از خاک رس، آهک، خاکستر، الیاف گیاهی و پشم گوسپند) استفاده به عمل آمده است. تزئینات رواقهای قطور آن که با گچ بری ها و گل و برگ کاری های ظریف پوشانده شده از نگاه بسی باستان شناسان یک اثر هنری بس بدیع و زیباست.

چنانچه اوگوتونینی - Ugo Tonietti، مهندس ایتالیایی آنرا یک شهکار مسلم هنر معماری اسلامی خوانده و به عقیده او ستونپایه و رواقهای شکوهمند «مسجد نه گنبد» زمانی با پارچه های ظریف لاجورد مزین بوده است. هر چند «مسجد نه گنبد» به اندازه مساجد خلفای بنی امیه و عباسی عظیم

نیست وساحه بزرگی را احتوا نمیکند لیکن از نگاه کاربرد طرح های تزئیناتی بکر، زیبایی های هنری خود را داراست .

در حال حاضر این مسجد با چتر آهن پوش که در زمان ریاست جمهوری سردارمحمد داود در دهه ۱۹۷۰ برای جلوگیری از گزند حوادث طبیعی چون برف و باران بر فراز آن برافراشته شد، محافظت می شود، و در همان وقت در جمله یکی از صد آبدۀ تاریخی مواجه به خطر جهان تحت پوشش (صندوق جهانی حفظ آبدات تاریخی WMF) قرار گرفت. بنیاد غیر انتفاعی World Monument Fund که مرمت و حفاظت مکانهای مهم تاریخی را در سراسر جهان به عهده دارد مطالعاتی در مورد پیشینه «مسجد نه گنبد» و ارتباط آن به دوره سامانیان بلخ نموده است.

عصر سلسله سامانیان دوره شکوفایی و پیشرفت فرهنگی در سرزمین های خراسان و ماوراءالنهر بود. در دوره زمامداران سامانی بسیاری از ارزشهای فرهنگی آریانای باستان احیا شد. مطالعات اخیر نشان می دهد که این ارزشهای فرهنگی در واقع توسط سلسله های باستانی که از نوادگان پادشاهان کوشانو یفتلی بودند به خراسان اسلامی انتقال یافت. در دوره سامانیان و غزنویان بیشتر سلسله های باستانی آریانا مانند چغانیان، فریغونیان، کیدار ها و شاهان غرستان شاهان اندارب و شیران بامیکان چون به اسلام رو آوردند بسیاری از سنت های فراموش شده را با خود به خراسان اسلامی به همراه آوردند. سهم آنها در پیشرفت فرهنگی دوران اسلامی در ساحه علم، ادب، صنعت و بخصوص هنر معماری قابل توجه و ارزشمند است.

پایان